انترناسیونال ۶۰۸

از ما می پرسند:

عفت، عصمت، حجب و حیا!

جایگاه این مقولات در نزد شما چیست و به چه امری خدمت می كند؟

لیلا یوسفی

از آنجایی که تفکر مرد سالاری و جامعه  قبیله گرا و حکومت های مذهبی علاقه ای به شخصیت آزاد و مستقل یک زن را ندارند، از مفاهیم این کلمات برای ایجاد محدودیت هر بیشتر آنها استفاده می کنند و مانع  یک زندگی برابر برای دو جنس مخالف می شوند. نقطه ی مقابل این موضوع، مردان هستند که چندان نیازی به رعایت حجب و حیا و عفت ندارند. در این تفکر غیر انسانی، تنها "غیرت" خواهند داشت. اگر زنی مرتكب "بی عفتی" بشود یا تشخیص داده شود كه "بی حیایی" كرده است، مرد "غیرتی" می شود و بازهم بلا دامنگیر خود زن می شود. جزای او از كتك و تنبیه جسمی آغاز شده تا به اسید پاشی و سنگسار و اعدام می رسد. مرد سالاران  که حاکمیتشان بطور سیستماتیک از راه تحقیر و توهین و توسری زدن به زن می گذرد، به شدت در تلاش هستند که این اختراع پوچ و عقب مانده را مدام در جامعه گسترش بدهند. از جمله آموزش در مدرسه، تبلیغات منفی علیه شخصیت زنان در تلویزیون و رادیو و سینما، حتا در ادبیات، او را ضعیف و بدون تفکر جلوه دادن و موجودی مصرفی که تنها باید به "مردش" تکیه بزند تا بتواند به حیاتش ادامه بدهد. گاهی مرد سالار از در دوستی، از حجب و حیای زن تقدس می سازد و باید و نبایدهایی را برای او تعیین و نقش مادر بودن او را از زن بودنش پر رنگ تر می کند و این مادر "مقدس"  فداکاری هایش و محدودیت هایش همه در خدمت مردان است و برای خود هیچ نمی خواهد و شخصیت او از پیش تعیین شده است. زنانی که از این کاراکتر سر باز بزنند و بخواهند آزادانه عمل کنند، پس عفت و عصمت ندارند و هر حکمی بر آنها رواست.

حكومت اسلامی هم سردمدار و پاسدار این گونه تفكر است و از همین معانی برای خانه نشین كردن و فرمانبرداری زن از مرد استفاده می كند. او را به عنوان جنس مطرح می کند ، حقوقش را برابر مرد پرداخت نمی كند، انتخاب رشته های مدیریتی را برای دانشجویان "مؤنث " حذف می نماید. حق طلاق و بچه را به مرد می دهد. هرگونه ورزش و رقص و موسیقی و حتا تفریح را به همین عنوان كه عصمت و عفت زن لكه دار می شود، برای آنها حرام اعلام می كند. او را به همین بهانه از هر مشاركت و حضور در جامعه محروم می سازد. در این میان تفكر مرد سالار پا فراتر می گذارد و در زندگی شخصی و عاطفی زن هم دخالت می كند. از لباس پوشیدن و خندیدن و ابراز عقیده و نحوه ی زندگی، تا آنجا که او را ناموس خود اعلام می كند و همین "ناموس" و "غیرت" میتواند او را راحت به كشتن  بدهد. بی دلیل نیست که زنان همواره یکی از قربانیان خشونت در جامعه هستند. این نتیجه ی زن ستیزی است که در متن جامعه وجود دارد.

مرد می تواند در هر سن و سالی از این "ناموس " چهارتایش را داشته باشد. ولی این "جنس دوم" حق انتخاب و عاشق شدن را ندارد. او تنها باید در مقابل مرد بپذیرد. به ترتیب پدر، برادر، عمو و شوهر برای او تصمیم می گیرند و او را همیشه در حد "ضعیفه " نگه می دارند. گاهی قوانین كشورهای دمكرات تر هم نمی تواند جلودار این حوادث خشونت بار و جنایت های قبیله بشود. مرد در میان خانواده اش  تصمیم به تجاوز، قتل، شکنجه و آزار دختر و زن در هر سنی را می گیرد و هیچ قانونی مانع او نیست، به این خاطر که خود را مالک زن می داند.

با این احوال، حجب و حیا و عفت در نزد زنان كه خواهان یك زندگی آزاد و برابر با مردان را هستند، به هیچ عنوان جایگاه و ارزشی ندارد. آنها تمام قوانین و تفكر عقب مانده مذاهب و قوم و قبیله ای و تمام این لیبل های ضد زن را كنار می زنند و در زندگی روزمره خود نیز به مبارزه علیه آن می پردازند. زنان با پشتكار و جدیت پا در تمام عرصه ها گذاشتند و در جایی كه همه چیز برایشان حرام بود و زنان را عامل فساد اعلام می كردند، آواز خواندند و در رشته های ورزشی موفق بودند.در حالی كه مذاهب و تفكر مرد سالار برای از بین نرفتن حجب و حیای دختر، او را از نه سالگی شوهر می دهند، دختران و پسران با رواج ازدواج سفید در همان جامعه، حق انتخاب را به خود زنان می دهند و با این کار افسانه ی باكرگی و عصمت را از بین می برند. زنان به هیچ وجه كوتاه  نیامده اند و همچنان با وجود تحمل فشارهای زیاد از جانب فرهنگ مرد سالاری به دنبال حقوق مساوی و آزادی كامل در زندگی خود هستند و به همراه مردان جامعه ای مدرن و برابر را رفته رفته می سازند.